

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۳

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵

مهدویت، درون مایه اصلی شعر دفاع مقدس

محمد رضا یوسفی^۱

چکیده

مضمون سازی با موضوع مهدویت در شعر فارسی با پیروزی انقلاب اسلامی شکل تازه ای به خود گرفت به طوری که به یکی از اصلی ترین درون مایه های شعر دفاع مقدس تبدیل شد. میزان و نحوه پردازش شاعران به مهدویت، موضوع این پژوهش است. تحقیق در شعر دفاع مقدس نشان دهنده این حقیقت است که: شاعران مقاومت، صفات، شخصیت و نشانه های امام عصر^{علیه السلام} را دستمایه ساخت صور خیال شعری و مضامین شاعرانه نمودند. باور به دمیدن صبح عدالت و شکوفایی جهان با ظهور، لذت انتظار و عشق ورزی به منجی عالم، استغاثه و طلب وعده دیدار از مهم ترین عناصر مضمون ساز شعر دفاع مقدس به شمار می رود. جهان در عصر غیبت به شبی دیرپای همانند شده که ظهور مهدی^{علیه السلام} برتر از طلوع هزار خورشید است. اعتقاد به صبح عدالت به مثابه یک فرهنگ در کالبد جامعه جاری است چون این صبح باید ظلم و استبداد را که در فرهنگ مردم به شب تعبیر می شود براندازد. بهار در شعر معاصر مضمون نمادین آغاز مجدد حیات، شکوفایی، رستن از خمودگی و آراستن با شکفتگی را با خود دارد. در شعر مقاومت، حکومت همراه با عدل آخر الزمان، پایان سردی و افسردگی تبعیض، گناه و ظلم است. در اشعار دفاع مقدس، رزمندگان حضرت مهدی^{علیه السلام} را به جان مادرشان و به خون شهدا سوگند می دهند که از پرده

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم (myousefi46@yahoo.com).

غیبت درآید. مهدی علیه السلام جامع جمال و کمال است و هرانسان آزاده‌ای
شیفته اوست؛ پس هرکس از عشق سخن بگوید معشوقش اوست. این
حجم تصویرسازی و مضمون‌پردازی، متأثر از هویت دینی انقلاب اسلامی و
ماهیت شیعی دفاع مقدس است.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، ظهور، شعر معاصر، دفاع مقدس.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان که جهان را پراز عدل و داد می‌کند وعده قریب الوقوع
الهی است و همه پیروان ادیان توحیدی در انتظار محقق شدن آن هستند. این منجی که
از آن به عنوان آخرین ذخیره الهی نیز یاد می‌شود، فقط در مکتب حقه تشیع مصداق
مشخص دارد. یعنی نام، کنیه، پدر، مادر، تولد و... او کاملاً معرفی شده و از پس پرده
غیبت با خواص مؤمنان ارتباط برقرار می‌نماید. تمامی پیشوایان مذهبی از شخص رسول
الله صلی الله علیه و آله و سلم گرفته تا پیشوای یازدهم، تولد و ظهور او را وعده داده‌اند و در این میان روایات
متواتری درباره او به ما رسیده است. امروزه در ایران کمتر مؤمنی یافت می‌شود که
کوچک‌ترین شک و شبهه‌ای درباره ظهور عدالت‌گستر، مهدی صاحب‌الزمان علیه السلام داشته
باشد و اعتقاد به مهدویت به مثابه یک فرهنگ در بستر جامعه، همه‌گیر شده است.
حتی اهل سنت و جماعت و یهودیان کلیمی و مسیحیان آشوری و ارمنی ایران این
واقعیت را پذیرفته و مهمترین امتیاز دینی برای پیروان تشیع قلمداد می‌نمایند.

یکی از جلوه‌های بارز موعودگرایی که برخاسته از طلب حق و عدل و قسط است
شهادت‌طلبی است؛ به گونه‌ای که "یکی از کوتاه راه‌ها در عرصه پاکی و تهذیب نفس،
تحصیل آمادگی برای شهادت است. بدین سان که انسان خود را سرباز عاشق و فدایی
امام زمان علیه السلام بداند و به مقتضای آن آماده هرگونه تلاش و مجاهدتی باشد". (مصباح
یزدی، ۱۳۸۸: ۵۹) زیرا ظهور او قطعی و بسیار نزدیک است و حکم فطرت بر لزوم مقام
ولایت در هر جامعه‌ای براساس حفظ مصالح عالیه جامعه مبتنی است. اسلام نیز پا به
پای فطرت پیش می‌رود؛ یعنی فردی که در تقوای دینی و حسن تدبیر و اطلاع بر اوضاع از
همه مقدم است برای این مقام تعیین می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۸۷) پس این مقام،
موهبتی الهی است و قابل غصب و واگذاری نیز نیست. در حدیثی از امیرالمومنین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

سال نهم، شماره ۱۹، پائیز ۱۳۹۵

در توصیف موعود آخرالزمان آمده است:

او مانند مردم سلوک می‌کند، از لباسی که آنها می‌پوشند می‌پوشد، بر مرکبی مثل مرکب آنان سوار می‌شود... زمین را به امر خدا از داد پرمی‌کند چنان‌که از ستم پرمی‌شده است. (شالچی، ۱۳۸۸: ۳۱۷)

عدالت علاوه بر فراگیری عمومی بودن آن پایدار نیز خواهد بود زیرا پشتوانه الهی دارد. اگر محور برپایی عدالت، پیشوای معصوم باشد خالی از حب و بغض و اغراض شخصی است. لذا عدالت مهدوی مصداق کامل تحقق وعده الهی است. در این عدالت قطعاً عدالت فردی مقدمه و زمینه ساز عدالت اجتماعی است. به عبارت دیگر هر کس منتظر ظهور منجی آخرالزمان علیه السلام و برپایی حکومت عدالت محور جهانی اوست، بایستی صفات منتظر را داشته باشد یعنی سعی کند خود را اصلاح نماید. ویکتور هوگو در این باره می‌گوید:

آینده از آن هیچ کس نیست که آینده از آن خداست. آنچه از ما ساخته است این است که برای آینده آماده شویم و خود را برای اجرای آنچه آینده از ما چشم دارد مهیا سازیم. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۲۸۴)

همچنین مفسران معتقدند از آیه: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵) استفاده می‌شود که پیامبران در این فکر بودند مردم را طوری تربیت کنند تا خود قیام به قسط نمایند و عدل را برپا دارند.

خورشید تابناک مهدوی در هرآینه‌ای که منعکس شود هم چنان درخشنده و نورانی جلوه می‌کند. ادبیات شیعه تنها جنبه ذوقی و توصیفی و حماسی ندارد که در مقام تحریک، تهییج، تفریح و تفنن به کار گرفته شود بلکه ادبی است دارای پیامی بزرگ و روشن‌گرو بیدارکننده. ادبی است که علاوه بر همه مزایا، مسئله عظیم امامت را که خلاصه و عصاره اسلام ناب است با ظرافت ویژه تبیین می‌کند. (شیخ‌الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸: ۲۱) این مسئله در فرهنگ انتظار، تبلور خاصی یافته است. به خصوص حکومت جمهوری اسلامی برپایه حکومت ولی فقیه برای نخستین بار بود که در عصر غیبت برپا می‌شد و باعث شد فرهنگ انتظار در جامعه و به تبع آن در شعر مقاومت با جدیت دنبال شود. امام خمینی علیه السلام در پیام سال ۱۳۶۲ خود به کنگره عظیم و جهانی حج گفته است:

به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سراز پا نشناخت... چه بتی بدتر و خطرناک تر از طاغوت های در طول تاریخ از زمان آدم صلی الله تا ابراهیم خلیل الله تا محمد حبیب الله تا آخر الزمان که بت شکن آخر از کعبه ندای توحید سردهد. (گروه مؤلفان، ۱۳۶۶: ۲۳)

آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری شان و ایام حیات امام خمینی رحمه الله در باره پیامدهای اندیشه امام علیه السلام گفته اند:

نگاهی به روزهای تاریخ ساز دوران اخیر نشان می دهد که کلام امام چه آتشی در سینه آرزومندان و طالبان حق و قسط و آزادی برمی افروخت و دژخیمان طاغوت در برابر آن چه می کردند. (همو: ۲۰)

مهدویت در شعر مقاومت

مضمون سازی با موضوع مهدویت در شعر فارسی سابقه چند قونی دارد ولی با پیروزی انقلاب اسلامی شکل تازه ای به خود گرفت. نایب امام دانستن رهبر فقید انقلاب از سوی مردم، غلبه نظام نوپا بر مشکلاتی که جهان استکبار برایش پیش می آورد و امدادهای غیبی در صفحات نبرد با دشمنان داخلی و خارجی از یک سودست یاری امام عصر علیه السلام را بر همه ملت ملموس می ساخت و از دیگر سو ظهورش را محقق الوقوع جلوه می داد؛ لذا شاعران مقاومت، صفات، شخصیت و نشانه های موعود را دستمایه ساخت صور خیال شعری و مضامین شاعرانه نمودند. وجه ممیزه ادبیات پایداری از سایر مقوله های ادبی است، در پیام و مضمون آن نهفته است. بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه دردها و مظلومیت های مردمی هستند که قربانی نظام های استبدادی شده اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان باختگان وطن را در بطن خود دارند. شاخصه اصلی محتوایی ادبیات مقاومت القای امید به آینده و پیروزی موعود الهی است. همین است که پایداری در برابر ستم را میسر می سازد. در این نوشتار به برخی از ابعاد فرهنگ مهدویت در شعر مقاومت ایران پرداخته می شود:

۱. اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام

انتظار ظهور و منتظر دمیدن صبح عدالت بودن در حقیقت منتظر تحقق وعده الهی

بودن است که:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (انبیاء: ۱۰۵)

پیشوایان دینی ما برای فرج و طلوع سپیده عدالت مهدوی دعا می کردند. از جمله حضرت امام رضا علیه السلام در انتظار ظهور منجی و برپایی عدالت جهانی او می فرمود:

خداوند از ره گسست ناپذیرت را براندامش بیوشان و فرشتگانت را پیرامون او گردآور.
خداوند او را به بهترین آرزوهایی برسان که پیروان پیامبرانت را که برپا دارندگان
عدالت جهانی بودند بدان ها رساندی. پروردگارا شکستگی ها را به دست او پیوسته
دار و شکاف ها را به وسیله او به هم آر. (صدوق، ۱۴۰۴: ۷۴)

شاعران مقاومت، جهان در عصر غیبت را به شبی دیرپای همانند کرده
گفته اند اعتقاد به ظهور برای مردم به یک فرهنگ مبدل شده آنان منتظر ظهور تحقق
و عده الهی هستند:

بی تو اینجا همه در حبس ابد تبعیدند سال ها هجری و شمس همه بی خورشیدند
از همان لحظه که از چشم یقین افتادند چشم های نگران آینه تردیدند
(امین پور، ۱۳۸۸: ۷۰)

اَحَدِ ده بزرگی در توصیف انتظار ظهور رزمندگان اسلام چنین سروده است:
به یاد مهدی زهرا سراپا سر سجاده، شوق و شور بودی
(ده بزرگی، ۱۳۸۷: ۵۲)

سلمان هراتی در همین موضوع، ظهور را به منزله طلوع خورشیدی می داند که شب
ستم را ستاره باران می نماید.
تو آفتاب بلندی ز عشق سرشاری تو در حوالی این شب ستاره می ریزی
(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۵۹)

رضا علی اکبری با ترنم دلنشین «ای لشکر صاحب زمان آماده باش آماده باش» که در
سرتاسر جبهه و پشت جبهه طنین انداز بود تصویرسازی کرده است:
تربون ها پراز احساس، رفتن را هجی کردند
بیا «ای لشکر صاحب زمان آماده باش...» اکنون

تمام شهرها را آوازهای آتشین برداشت

وطن یا دین؟ برای هر دو باید تیغ کین برداشت

(میعاد دوازدهم، ۱۳۸۲: ۱۴۴)

علی موسوی گرمارودی در شعری با عنوان «توباز آ» عصر غیبت را شب سیاهی تصویر می‌کند که خورشید آن در پشت ابرغم بار پوشیده شده است:

الا ای آفتاب آشنایی چنین در پشت ابرغم چه پایی
(گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

هراتی پا را فراتر نهاده، ظهور را برتر از طلوع هزار خورشید آسمانی تعبیر می‌کند: ای شوکت طلوع هزار آفتاب / توشیونی / بلندتر از / فراز هزار کهکشان به زمین / (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۱۰)

جمشید عباسی، پیشانی بندهایی را که نام مقدس حضرت مهدی علیه السلام بر خود داشت رمز انتظار ظهور برای رزمندگان دانسته است:

بی چشم و چراغ / مگر می‌شود / تا حلبچه رفت / حتی / بی پیشانی بند «یا مهدی» / من بارها با خویش جنگیده‌ام. (محمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۶۳)
شاعر دیگری با بهره‌گیری از آرایه ایهام، روز ظهور را روز آفتابی و تاریخی آن را مثل روز، روشن می‌پندارد:

ای روز آمدن! / ای مثل روز، آمدنت روشن! / این روزها که می‌گذرد، هر روز / در انتظار آمدنت هستم / اما / با من بگو که آیا، من نیز / در روزگار آمدنت هستم؟
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴۰)

روز ظهور را سلمان هراتی با اشاره به چهره خورشید مانند وی روز نور خالص می‌داند: تمام خانه پراز نور ناب خواهد شد اگر به صبحدم ای آفتاب برخیزی
(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

ظهور خورشیدگونه موعود، وعده خداست و ناچار محقق خواهد شد. قیصر امین‌پور از آن روز به روز ناگزیر تعبیر می‌کند. همان روزی که عدالت فراگیرش موجب خواهد شد تمام کسانی که قامت‌شان زیر جور ایام، خمیده؛ قامت راست کنند و خورشید وجودش را ببینند:

بسم الله الرحمن الرحیم

سال نهم، شماره ۱۹، پائیز ۱۳۹۵

آن روز ناگزیر که می‌آید / روزی که عابران خمیده / یک لحظه وقت داشته باشند / تا
سر بلند باشند / و آفتاب را / در آسمان ببینند (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳۵)
ظهور بسیار نزدیک است و هراتی به گونه‌ای از آن سخن می‌گوید گویی این آفتاب را بر
پهنه آسمان می‌بیند. به نظر او چنان این خورشید فاش است که توان انکارش بر کسی
نیست و هیچ‌کس را یارای آن نه که به مقابله آن بایستد. وی در شعری با عنوان «بر
قله‌های انتظار» چنین سروده است:

و ما که آفتاب را بر بلندای خاک می‌بینیم چگونه می‌توان به انکار عشق برخاست
و یاس‌ها را از عطرافشانی باز داشت مگر می‌شود به چشمه، فرمان توقف داد؟!
(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۳)

او در شعر دیگری این‌گونه گفته است:
مثل درخت و سنگ / در رهگذار باد / در انتظار آمدنت / ایستاده‌ایم / فردا به شهر نور
می‌آیی / از راه روستا / از راه آفتاب (همو: ۳۳۸)
وی در شعر «محض رضای عشق» موعود آسمانی را تنها آفتابی می‌داند که
می‌تواند با ظهورش جهان را منور نماید. به نظر او در این غربت سرا، گریه با یاد او
آرامش بخش درون است.

تاریک کوچه‌های مرا آفتاب کن با داغ‌های تازه دلم را مجاب کن
ابری غریب در دل من رخنه کرده است بر من بتاب و چشم مرا غرق آب کن
(همو: ۳۱۰)

۲. اعتقاد به انتظار برای مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام آخرین ذخیره الهی است که به امر پروردگار در پرده غیبت بر سر
می‌برد لذا همه شیعیان و عاشقان آن حضرت در انتظار فرج ایشان به سر می‌برند.
رزمندگان اسلام هم از جمله عاشقانی بودند که تنها آرزوی شان این بود که در آخرین
لحظات از زندگی خود برای یکبار هم که شده جمال حضرت مهدی علیه السلام را ببینند. در
اشعار دفاع مقدس به وفور می‌بینیم که رزمندگان، حضرت مهدی علیه السلام را به جان مادرشان
و به خون شهدا سوگند می‌دهند که از پرده غیبت در آیند و جهان را از این همه ظلم و
تباہی نجات دهند و حکومت عدل الهی را در جهان بنیان‌گذاری کنند و چه بسیار

رزمندگان که به آرزوی خود دست یافتند و مورد عنایت آقا امام زمان علیه السلام قرار گرفتند و به خیل شهیدان پیوستند. امیر عاملی با تکیه بر این واقعیت که تحمل همه سختی ها در انتظار فرج آسان است چنین سروده:

دریای درد را خس و خاریم و مانده ایم با این دل شکسته اگر خوب یا بدیم
از کاروان رفته غباریم و مانده ایم در انتظار قائم آل محمدیم
(هفتمین فصل غزل، ۱۳۷۷: ۹۷)

آیت باقری نیز در همین مضمون سروده است:

تا رفع فتنه و ستم از صفحه زمین تا اهتزاز پرچم توحید در جهان
(باقری، ۱۳۸۴: ۲۸)

محمد زمان گلدسته با لحنی ملتمسانه از امام درخواست تعجیل در فرج کرده؛ گویی شهادت ها و انتظارها همانند بغضی گلوگیر او شده:

آقا! بیا به جان خودت دیر می شود! دل گشت بی قرار تو یا صاحب الزمان
این بغض های کهنه گلوگیر می شود هستم در انتظار تو یا صاحب الزمان
(روایت مجنون، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

نعمت الله شمس پور با تلمیح به گمشده کنعان و هجرانی که یعقوب کشید بازگشت یوسف زهرا را از حق درخواست می کند:

افسوس شقایق دهنی نیست در این باغ ماییم و پریشانی و پیراهن اندوه
تا شرح دهد داغ شکیبایی ما را یا رب برسان یوسف زهرایی ما را
(سفرنامه آسمان، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

مسلم فدایی ارواح طیبه شهیدان را که به آسمان و درگاه حق تعالی پریدند به کبوتران نامه رسانی تشبیه کرده که ملتئم مردم که چیزی جز انتظار امام عصر علیه السلام نیست را از خداوند درخواست کردند:

بر حالپرسی از هر کجا که می آیی که سالهاست تو را از کبوتران سپید
به گریه می پرسم بی که پاسخی بیار دامن از لاله های صحرایی
در آستانه یک فرصت تماشایی و باز می پرسم تا با تمام شیرایی
به بال زخمی شان هر چه نامه می بندم نگفته ای است مکرر: «چرا نمی آیی!»

(شقایق‌های ارونند، ۱۳۷۵: ۲۰۶)

علی اکبر خالقی (موحد) شب بیداری‌های رزمندگان و رزم جانانه‌شان در دل شب را با شب‌صفتان تیره‌دل در نظر آورده به انتظار فرج نشسته است:

ورد لب خود ساخته‌ام نام تورا با درد فراق، همره شب شده‌ام
چشمم کشد انتظار یک گام تورا باید ز سحر شنید پیغام تورا
(صفی‌زاده، ۱۳۷۲: ۹۲)

وی در جای دیگری قریب به همین مضمون را گفته است:

به آتش می‌کشم از شوق امشب پیکر خود را برای روز موعودی که تواز راه می‌آیی
که تا ریزم به پایت صبحدم خاکستر خود را غزل پر کرده‌ام من صفحه‌های دفتر خود را
(خط سبز، یادگار سرخ، ۹۳)

تقی پورمقتی از خود امام عصر علیه السلام خواسته است کاری بکند گویا از دعا و انتظار در حال ناامید شدن است:

زلف مجموع نگارار به کف آید، گیرم صبح امید و در پرده غیبت ماندی
مشک‌تراز شکن زلف پریشانی باز سربرآر از پس این غیبت طولانی باز
(هشت فصل عشق، ۵۰)

محسن حسن‌زاده لیلہ کوهی، انتظار ظهور آقا را انتظار بهار دین و زنده شدن مجدد اسلام و انقلاب می‌داند:

بیا وگرنه در این انتظار خواهم مرد خبر رسید که تو با بهار می‌آیی
اگر که بی‌توییاید بهار، خواهم مرد در انتظار تو من تا بهار خواهم مرد
(صفی‌زاده، ۱۳۷۲: ۷۹)

عبدالرضا شهبازی وقتی که می‌بیند سرداران و فرماندهان بزرگی مثل شهید کریمی و ابراهیم همت هم شهید شدند و در گره کور جنگ، گشایش و فرجی حاصل نگردید می‌گوید:

مولای من! / دیراست / بیا / تا «محمد» و / «حاج همت» از یادها نرفته‌اند
(قزوه، ۱۳۸۹: ۱۷۱)

نادر بختیاری سختی‌های عرصه نبرد با دشمنان بعثی و تحریم‌های اقتصادی

مستکبران را با دشواری های صدر اسلام مقایسه کرده در راه انتظار مهدی علیه السلام تحمل همه را آسان می داند:

شعب ابی طالب است لیک خدا هست جوش نبی ثاقب است لیک خدا هست
غصه بر ما غالب است لیک خدا هست منجی ما غایب است لیک خدا هست
(خط سبز، یادگار سرخ، ۱۳۷۵: ۴۱)

مریم سقلاطونی با استفاده از تشابه اسمی میدان انقلاب و خیابان ولی عصر علیه السلام و بیمارستان بقیة الله که خاص مجروحان جنگی بود با لحنی اعتراض آمیز به اوضاع نابسامان جامعه گفته است:

مردی ظهور نکرده است / که انقلاب را جهانی کند / و در ولی عصر / انتظارهای
کشنده را زیر بگیرد / در «بقیة الله» هر روز / چشم های بزرگی / زیر تیغ ها، استحاله می شوند
(میعاد دوازدهم، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

اسماعیل سکاک مطمئن است این مجاهدت ها بی ثمر نیست و حاصل خون های پاکی که سرتاسر جبهه ها را لاله گون کرده طلوع صبح نور و طلوع ظهور امام غایب خواهد بود:

کاشکی! طغیان غم ها می شکست قلب شیعه شاد می شد تا ابد
صخره ها در پیش دریا می شکست آن زمین آباد می شد تا ابد
یک نفر می آمد از آفاق نور شهرها پرمی شد از نور ظهور
(همان: ۷۰)

آی خون شهید! شاهد باش روزگار ظهور می آید
ای شده رو سپید، شاهد باش مردی از نسل نور می آید
(هفت فصل عشق، ۱۳۷۴: ۷۶)

انتظار موعود وعده خداست و آنچه وعده حق تعالی باشد منطبق بر حکمت بالغه اوست. انتظار در اعتقاد شیعیان اثنی عشری مصداق روشن عبادت است. به همین جهت شاعران معاصر نیز با او نجوا، درد دل و حتی عشق بازی می کنند. چون می دانند او کیست. فقط نمی دانند کجاست. حضور حاضر غایب دارد؛ همه جا هست ولی کسی او را نمی بیند؛ لذا در انتظار دیدار و ظهورش لحظه شماری می کنند.

آن امام حی غایب مهدی آل علی
لختی اکنون رو بگردانم سخن را سوی او
روح این مجلس تویی و هر که در این محفل است
مقصد و مقصود اصلی از مفید و مستفید
شاهد ایاک اعنی و اسمعی یا جاره هم
کافرینش را نظربر چهر آن مه منظرست
آن که داغ هجر او در دل چو زخم خنجرست
عاشق آن درگه است و چاکر آن محضرست
چون نکوبینی تویی گیرم مخاطب دیگرست
شورگر مارودی و این شعر او در دفترست
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۱۱)

سلمان هراتی جهان را بدون موعود همچون شب، تیره و تاری می بیند و از به درازا کشیده شدن شب انتظار به فریاد آمده است:

آه ای پیشوای اقیانوس های شورش / شب نشینی دنیا به طول انجامید / طوفان را رها کن / واسب آشوب را / افسار بگسل (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۴)

وی در شعر «غنچه نرگس» که امام عصر علیه السلام را پیشوای کاروان عشق لقب داده است گفته است هر چند ما و آن امام همام از این انتظار خسته ایم و به آن معترض ولی ظهور، وعده خداست و اذنش با او. پس در انتظار صدور فرمان حق می مانیم.

پیشوای کاروان عشق! / کاروان حماسه می سراید این چنین:

انتظار سهم ماست / اعتراض نیز / منجیا! یقین تو نیز منتظر / چشم بر اشاره خدا نشسته ای (همو: ۱۲۱)

زندگی در انتظار از نظرامین پور، شاعر مقاومت، دشوار است. او در شعر «روز مبادا» معتقد است همان روز، روز ظهور موعود است و تا او نیاید بایدهای ما نباید است و نبایدهای ما باید:

وقتی تو نیستی / نه هست های ما / چونان که بایدند / نه نبایدها... هر روز بی تو / روز مباداست! (امین پور، ۱۳۸۸: ۲۵۲)

هم او در شعر «پیشواز» که به مناسبت نیمه شعبان سروده و آن روز بزرگ در ماه اردیبهشت واقع شده بوده با ایهامی زیبا به معانی کلمه اسفند گفته است:

چه اسفندها... آه / چه اسفندها دود کردیم! / برای توای روز اردیبهشتی / که گفتند این روزها می رسی / از همین راه! (همو: ۲۸۷)

سلمان هراتی در شعری با عنوان «آرزو» بزرگ ترین آرزوی خویش را برآمدن انتظار و درک ظهور می داند:

کاش می‌شد که پریشان تو باشم یا نباشم یا که از آن تو باشم
تو چنان ابرطربناک بیاری من همه تشنه باران تو باشم
در افق‌های تماشای نگاهت سبزی باغ و بهاران تو باشم
یا درآیی و گلی را بگزینی من همان غنچه خندان تو باشم
چون که فردا شد و خورشید کدر شد من هم از جمله شهیدان تو باشم
تا نفس هست و قفس هست الهی من شوریده غزلخوان تو باشم
(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۵۶)

در شعر بالا شاعر با برشمردن نشانه‌های قیامت از جمله سیاه شدن خورشید معتقد است هرکس متعلق به موعود آخرالزمان شد و در راه او شهید گشت در قیامت هم رستگار خواهد بود. وی در شعر دیگری که با عنوان «بر قله‌های انتظار» سروده است ضمن این که انتظار را مقامی رفیع و همچون قله کوه بلند می‌داند پایانش را بسیار نزدیک قلمداد کرده به گونه‌ای که پس همین شب تیره پرستم ظهور موعود خواهد بود:

همیشه فکر می‌کنم / این آخرین شبی است که از کوچه می‌گذرد / باغ‌ها
از پاییز برمی‌گردند / و درختان در انتظار بارش آخرین / سرخوش می‌ایستند / بر آخرین
قله‌های انتظار ایستاده‌ایم / و زمین را / که در باتلاق تقلب بازیگوشی می‌کند / تشر
می‌زنیم (همو: ۳۲)

قیصر امین‌پور نیز خود را منتظر موعودی می‌داند که با ظهورش تمام تیرگی‌ها،
سیاهی‌ها و پلشتی‌های جامعه برطرف می‌شود و جهان آینه‌زاری روشن و پرنور
خواهد شد:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن‌که در دستش کلید شهر پرآینه دارد
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹)

سلمان هراتی یاران و منتظران موعود را ساقه‌های سبز و خود وی را غنچه‌ای ناشکفته
تعبیر کرده است که راز سربه مهر ماندنش را فقط خدا می‌داند. لذا تصریح می‌کند دنیا به
سان کویری تشنه عدالت است:

ای غنچه، شکوفا شو و عطر عدل را در آن بپراکن / باور گلی به ذهن ساقه‌های سبز /
لیک خود چو غنچه‌ای صبور / بسته مانده‌ای / رسم غنچه نیست بسته ماندن /
غنچه‌های نرگس این زمان به ناز باز می‌شوند / ما ظهور عطر را ز غنچه تا به گل شدن /

انتظار می‌کشیم / خاک تشنه است و ما از این کویر / خنجری به سمت جویبار می‌کشیم
(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

وی در جای دیگری پس از توصیف اوضاع جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، برانتظار رزمندگان برای ظهور صحنه می‌گذارد و می‌گوید گویی این جا همه عاشق‌اند، عاشق او و فرهادوار تیشه بر بیستون مشکلات می‌کوبند؛ محدودیت‌ها را برمی‌دارند و موانع را برطرف می‌سازند تا او بیاید:

اینان که در پای بیستون به صف ایستاده‌اند / راهیان عشقند / و منتظرند کسی بیاید و تیشه‌ها را تقسیم کند / تیشه ابزار سعی عاشقانی است / که سینه به سینه کوه می‌روند / و کار تخریب حصار را / تجربه می‌کنند / اینان مهبای ظهور بت‌شکنند (همو: ۸۲)

اشعار دفاع مقدس تنها مربوط به جبهه‌های جنگ ایران نمی‌شود بلکه شامل همه جبهه‌های حق علیه باطل است به عنوان مثال شاعر با توجه به کشتار وحشیانه مردم مسلمان بوسنی و هرزه‌گوین توسط صرب‌ها خطاب به همه محرومان و ستم‌دیدگان می‌گوید: منتظر باشند و آه سرد و خاموش‌شان را به آتشی عالم افروز تبدیل کنند تا شعله عشق عدل‌آفرین و خودکامه‌سوز در درونشان شعله‌ور گردد و با قیام حضرت مهدی عج ستمکاران و خونریزان عصر را پاسخی دندان‌شکن بدهند. حمید سبزواری چنین سروده:

ای سیه‌روzan و محرومان خاک ای ستمکاران و خونریزان عصر
آنک آنک مهدی آنک رستخیز پاسخ هر تیغ‌تان صد تیغ تیز
(این شرح بی‌نهایت، ۱۳۷۱: ۸۹)

۳. عشق به مهدی عج

موعودی که محقق‌کننده وعده الهی است و اراده حق تعالی را اجرا می‌کند. کما قال عز من قائل:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
(قصص: ۵).

انسان کامل و خلیفه پرورگار روی زمین است. او جامع جمال و کمال است و هر انسان آزاده‌ای شیفته اوست. هرکس از عشق سخن بگوید معشوقش اوست:

ز عشق هر که سراید تویی، تمام تویی توروح مهدی و معنای عشق تام تویی

مقام هستی عشقم حضور دائم توست چنان توام که ندانم ز ما کدام تویی
سخن ز جذبه مهر تو نگسلد از هم مدار باطن و معیار انسجام تویی
کدام جمله تو را شرح می‌تواند کرد تو خود کتاب خودی بهترین کلام تویی
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

شاعر مقاومت، سلمان هراتی بلا، سختی و زخم عشق امام مهدی علیه السلام را به جان
می‌خرد و آن را لطف معشوق می‌شمارد:

ای عشق ای تبلور آن آرزوی سبز برخیز و چون سکوت دلم را خطاب کن
ای تیغ سرخ زخم کجا می‌روی چنین محض رضای عشق مرا انتخاب کن
ای عشق زیر تیغ تو ما سر نهاده ایم لطفی اگر نمی‌کنی اینک عتاب کن
(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

گرچه وعده ظهور طبق آموزه‌های اسلامی بامداد جمعه است و مشتاقان او هر جمعه در
انتظارش هستند ولی قیصر امین‌پور معتقد است عاشق مهدویت برای دیدار آرام و قرار
ندارد و برای او هر روز، روز جمعه است چون به جز معشوق به کسی نمی‌اندیشد:

بی‌تومی گویند تعطیل است کار عشقبازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد
خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹)

وی در غزل زیبایی با عنوان «مهمانی» عاشق کسی است که قرار است به مهمانی این
جهان بیاید. وی ایشان را آغاز هراوج و هر پرواز و خاتمه هر عشق معرفی می‌نماید و
معتقد است با ظهورش شادمانی و آرامش همیشگی به نهاد ناآرام جهان باز می‌گردد و
کشتی پرتلاطم عشق لنگر می‌نهد:

کسی که نقطه آغاز هر چه پروازست تویی که در سفر عشق خط پایانی
تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند بیا که صاف شود این هوای بارانی
تواز حوالی اقلیم هر کجا آباد بیا که می‌رود این شهر رو به ویرانی
کنار نام تولد نگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی
(همو: ۳۰۶)

موسوی گرمارودی با تکیه بر فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام بودن امام وی را مشهور و معروف در بین تمام ملل محروم جهان معرفی می‌نماید. او در شعری که به نام «صدای سبز» مسمی است به قنبر، غلام علی و شیخ مفید که فتوای نادرستش را حضرت مهدی علیه السلام اصلاح فرمود نیز اشاره دارد:

گویمش ای آشنای آشنایان جهان ای علی صولت که صد شیخ مفیدت قنبرست
دانمت عشق سیه‌رویی چو من نبود مفید صد هزارانت به از من خانه‌زاد و چاکرست
لیک من هم در صف عشاق روت استاده‌ام سر برآور تا ببینی چشم من هم بردرست
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۱۱)

۴. استغاثه به مهدی علیه السلام

در جبهه‌های جنگ استغاثه پاک‌باختگان عرصه شهادت را به منتقم خون سالار شهدا، حضرت ولی عصر علیه السلام می‌بینیم که خود را آماده می‌دانند تا در رکاب آن حضرت قرار گرفته، جان‌شان را در راه هدف والای ایشان فدا کنند. در اشعار دفاع مقدس علاوه بر مدد خواستن رزمندگان اسلام از حضرت مهدی علیه السلام استغاثه فرزندان شهدا از حضرت مهدی علیه السلام را هم می‌بینیم. فرزندانی که معتقد بودند پدران‌شان در قالب کاروانی در عصر جمعه به رهبری امام عصر علیه السلام می‌آیند و آنها روزها و شب‌ها برای آمدن آن جمعه موعود روزشماری می‌کردند. تهمتن غلامی گفته است:

همیشه بال من از سرنوشت آهن بود چقدر نعش عروسک، چقدر بمباران
چه بال‌ها که شهید پرنده بودن بود چه عکس‌ها که شهیدند یا امام زمان
(روایت مجنون، ۱۳۸۳: ۱۲۸)

عبدالرضا کوهمال جهرمی:

در روزگار تیره و تاریک، رحمی کن آقا، فروغ رفته را بردیده برگردان
بردختران انتظار دیدن بابا این هفته روشن کن تو آن چشمان بر در را
(میعاد دوازدهم، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

علی بابا چاهی:

گریه مکن! / مگذار درد و داغ، گریبانت را / ویران کند / اما جواب مرد / جواب مراد...؟ / «یا صاحب الزمان!» (همان: ۴۳)

علیرضا قزوه، منتظران را تشنگان محبت می نامد. او معتقد است باید با استغاثه به امام، اظهار عشق و علاقه کرد. وی با اشاره به کسانی که در این انتظار سوختند، مردند و اثری از آنان باقی نماند گفته است:

بر سرم نمی کشی دست مهرآگر، مکش تشنه محبتند لاله های داغدار
دسته دسته گم شدند سهره های بی نشان تشنه تشنه سوختند نخل های روزه دار
(قزوه، ۱۳۸۴: ۲۵)

هراتی در شعری با عنوان «ای که امکان بهاری» با توصیف امام عصر علیه السلام از او خواسته است چهره از پس پرده غیبت بنماید:

همزمان با صبح / چشم خورشیدی تو / جهت پنجره را می کاود / دشت روشن شده از روشنی رخسارت / (همو: ۱۳۷)

و همین مضمون را جای دیگری تکرار می کند:

خورشید چشم توست چشمان تو خورشید تا نشکفد چشم تو فردایی نداریم
(همو: ۱۵۷)

موسوی گرمارودی هم با استغاثه به ولی عصر علیه السلام به اوالتماس نموده که چهره خورشیدمانندش را بنمایاند تا دل ها از بند هجران آزاد گردد و شب تاریک بشریت روشن شود:

سیه تراز شب دیجور ما نیست به جز مهر رخت خورشید ما کیست
الا ای باغبان آسمانی نگه کن سوی بستان گرتوانی
نبینی خار در چشم گل افتاد نبینی عصمت گل رفت برباد
بیا وان چشم آهووش به ما کن غزال بندی دل را رها کن
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۴)

۵. اعتقاد به وعده دیدار با مهدی علیه السلام

در آموزه های شیعی نیز مشخصات، نام و کنیه او از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله تا دیگر پیشوایان دینی و معصومان علیهم السلام به تواتر به گونه ای منقول است که هیچ تردیدی در مصداق موعود در آیین تشیع وجود ندارد. در شعر مقاومت، موعود آخرالزمان چنان جلوه دارد که گویی با مردم زندگی می کند، با آنان همراه است، در شادی شان، شادمان و در

غم‌شان اندوهگین می‌گردد؛ هر لحظه ما را می‌بیند و ما نیز در صورت کسب لیاقت به شرف دیدارش نائل خواهیم گشت. دیدار با امام زمان (عج) برای ارادتمندان حضرتش میسر است و حکایات متواتری از دیدار دوستداران امام با ایشان منقول است. این‌گونه روایات به قدری لذت‌بخش است که در حقیقت امید به دیدار را با نگاهی امیدوارانه ترسیم می‌کند و در شعر مقاومت بازتاب هنرمندانه دارد.

هراتی هر بهار و در هر نوروز منتظر دیدار کسی است که با قدومش بهار حقیقی و ربیع عدالت را می‌آورد. وقتی سفره هفت سین را می‌چیند به دنبال سین هشتم است! وقتی تقویم را ورق می‌زند در لابه‌لای اوراق سبز فصل بهار در پی یافتن صفحه ثبت روز موعود است. او در شعر «در انتظار بهار حقیقی» چنین می‌سراید:

بهار غنچه سبزی است / که مثل لبخند باید / بر لب انسان بشکفتد / بشقاب‌های کوچک سبزه / تنها یک «سین» به «سین»‌های ناقص سفره می‌افزاید / بهار کی می‌تواند / این همه بی‌معنی باشد؟ / بهار آن است که خود ببوید / نه آن‌که تقویم بگوید! (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

امین‌پور در غزل «فصل تقسیم» پس از ارائه گزارشی از اوضاع منتظران مهدی (عج) که تشنه دیدارند گفته است تا او نیاید تقسیم‌بندی‌ها برپایه عدالت نخواهد بود. پس باید همگی چشم به دیدارش باشیم؛ زیرا دیدارش، لبخند، گل، گندم، غزل، غزل‌خوانی و شادمانی را به ارمغان می‌آورد:

چشم‌ها پرسش بی‌پاسخ حیرانی‌ها	دست‌ها تشنه تقسیم فراوانی‌ها
حالی‌ا دست کریم تو برای دل ما	سرپناهی ست دراین بی‌سروسامانی‌ها
فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید	فصل تقسیم غزل‌ها و غزل‌خوانی‌ها
سایه امن کسای تو مرا بر سر بس	تا پناهم دهد از وحشت عریانی‌ها

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۵۶)

وی در شعر «روز مبادا» روز دیدار با امام عصر (عج) را همان روز مبادا می‌نامد. روزی که در آن بغض‌ها می‌ترکد و گل لبخند بر لب‌ها می‌شکفتد. امین‌پور هر بهار و هر سال نود و لابه‌لای صفحات تقویم به دنبال روز مبادا یا همان روز دیدار با موعود می‌گردد:

مثل همیشه آخر حرفم / و حرف آخرم را / با بغض می‌خورم / عمری است / لبخندهای لاغر خود را / در دل ذخیره می‌کنم / باشد برای روز مبادا!! / اما / در صفحه‌های تقویم /

روزی به نام روز مبدا نیست (همو: ۲۵۱)

این شاعر شیفته امام عصر علیه السلام معتقد است روز دیدار، عید واقعی است. او که گردش زمان و سیر تقویم و توالی فصل‌ها و تواتر ماه‌ها را به خاطر ملاقات با موعود آخرالزمان می‌داند تصریح می‌کند روز دیدار حتی ساعت و ثانیه‌اش برای مردم عید است:

سیر تقویم جلالی به جمال تو خوش است فصل‌ها را همه با فاصله‌ات سنجیدند
توبیایی همه ثانیه‌ها، ساعت‌ها از همین روز، همین لحظه همین دم، عیدند
(همو: ۷۱)

۶. اعتقاد به صبح عدالت با مهدی علیه السلام

از ظلم و استبداد در فرهنگ مردم به شب تعبیر می‌شود و طبیعتاً عدالت روز و صبح درخشانی است که پس از آن طلوع می‌نماید. تعریف پذیرفتنی از عدالت عبارت است از:

عدالت به معنای قراردادن هر چیز در جای خویش و حق را به حق دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها است. (کاظمی، ۱۳۸۲: ۳۵۴)

برای این که افراد جامعه بهتر به سعادت خود برسند، باید حقوق و اولویت‌ها رعایت شود و این است مفهوم عدالت بشری که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند و نقطه مقابلش را که ظلم نامیده می‌شود محکوم می‌سازند. (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۲) علامه مجلسی در شرح احادیث در مورد عدالت مهدی و تعالیم آن می‌گوید:

مقصود از این احادیث این است که در عصر غیبت، در امر دین متزلزل نشوید و در مقام عمل، حیرتی به خود راه ندهید در اصول و فروع دین به آنچه از امامان به دست شما رسیده است چنگ درزنید و عمل به دین را ترک نکنید و از دین خدا روی مگردانید تا زمانی که امام شما ظاهر گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۳۳)

عدالتی که در فرهنگ مردم به عدالت مهدوی تعبیر و تفسیر می‌شود، عدالتی عملی و جاری و ساری و رایگان میان مردم و برای همه به صورت و سنت باقی و عادی است، نه فرضی و خیالی و نه در یک گوشه و برای یک ملت و اجتماع و نه عدالت تحمیلی که بقاء و دوام نداشته باشد آن هم نشان دادن و تحقق بخشیدن کامل آن که به چشم همه بیاید و دل و دیده همه را فراگیرد. (طالقانی، ۱۳۴۴: ۵۸)

امام معصوم قطب است و برای این مقام محورا است و این مقام تجزیه بردار نیست.

(طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۲۸)

موعود آخرالزمان نه تنها قطب عالم که محور صبح عدالت است. شب در شعر معاصر مفهوم نمادین ظلم و ستم دارد و طبیعتاً موعود گرایی در شعر مقاومت نیز انتظار صبح و روشنی کشیدن است. به همین جهت ظهور مهدی موعود علیه السلام به صورت دمیدن صبح، طلوع روشنی، سحر، پایان شب و... به تصویر کشیده شده است:

باید امروز قلم برداریم / و به پیشانی شب / بنویسیم: سحر در راه است
(حسینی، ۱۳۸۵: ۹۹)

موسوی گرمارودی جهان بدون مهدویت و خالی از عدالت را همچون شب، سیاه، ساکت، بی فروغ و پردروغ ترسیم نموده است:

زلال چشمه های نور خورشید	سحر هم جامه های تیره پوشیده
سپیدی های چشمان هم سیه شد	تپیدن های دل هالمان تبه شد
قدم، رفتار را از یاد برده	تن استاده است اما دیر، مرده
شب است و شب، سیاهی و سیاهی	غم و غم، بی پناهی، بی پناهی
چراغ راستی هم بی فروغ است	چراغی نیست خود این هم دروغ است
جهان دیری است تا مرده است باری	نظر از دیر ماندن، گوچه داری؟

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۴)

صبح با دمیدن خورشید آغاز می شود و صبح بدون خورشید معنی ندارد. صبح بدون ظهور آفتاب موعود در نظر قیصر امین پور در غزلی با عنوان «صبح بی تو» این گونه ترسیم گردیده است:

صبح بی تورنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد	بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
جغد برویرانه می خواند به انکار تو اما	خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹)

ظهور موعود الهی و آسمانی، در ذهن و ضمیر شاعرانه موسوی گرمارودی برابر است با بازگشت انسانیت به انسان و پایان شب ستم، بی ریایی و یک رنگی و خاتمه تزویر و نیرنگ:

توباز آ تا دگر جان باز آید خدا برگردد، انسان باز آید
توباز آ تا شبی دیگر نیاید زمان روز ابری هم سر آید
بکش تیغ و سرغم را جدا کن بیاوین کار را بهر خدا کن
بیا از دین حق رنگ وریا بر فرو افتاده دین را، تا خدا بر
بیا تزویر را بی آبرو کن چراغی گیسو دین را جستجو کن
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۵)

موعودگرایی و انتظار موعود هزینه بردار است زیرا او آخرین ذخیره الهی است. پس منتظران باید آن را بپردازند. به نظر حسن حسینی اگر می خواهیم با نفس سحر، شب به پایان برسد و سیاهی ظلم با نور عدل روشن گردد باید سرها داد و با جان به استقبال قدوم موعود رفت.

بر چهره شب رنگ دگر باید داد این راز به عالمی خبر باید داد
تا سینه تنگ ظلمت از هم بدرد پیش قدم سپیده سر باید داد
(همو: ۱۴۲)

سلمان هراتی با اشاره به ظهر که پرنورترین ساعت روز است در رباعی «تا ظهر ظهور» چنین سروده است:

چون تشنه به آب ناب دل می بندم بر خنده ماهتاب دل می بندم
ای روشنی تمام، تا ظهر ظهور چون صبح به آفتاب دل می بندم
(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۲۱)

وی در توصیف امام عصر علیه السلام در شعر سپید «با آفتاب صمیمی» ایشان را عین روشنی و خوبی دانسته گفته است اندک روشنی جهان به واسطه وجود اوست حتی اگر او نباشد همه جا تاریک است:

او یعنی روشنایی، یعنی خوبی / او خیلی خوب است / باور کنید اگر او یک روز / خودش را ز ما دریغ کند / تاریک می شویم (همو: ۱۰۷)

هم او در غزل «ای عشق» دنیای بدون موعود را چنین ترسیم نموده است:

بی توهوای خانه ما سرد می شود برگ درخت باور ما زرد می شود
شب بی تورو صبح نمی بیند ای دریغ خورشید بی تو منجمد و سرد می شود

زیباترین بهانه در اینجا حضور توست ورنه زمین، هوایی و ولگرد می شود
(همو: ۲۹۸)

۷. اعتقاد به شکوفایی جهان با مهدی علیه السلام

همان گونه که با رفتن زمستان بسیاری از آلام مردم محروم و فقیر برطرف می شود با دمیدن بهار مهدویت تمام سختی ها و مشکلات از جهان بار بر بسته آرمان شهریا اتوپایی که یک جهان انتظار در پی آن بود شکوفا می گردد. بهار در شعر معاصر مضمون نمادین آغاز مجدد حیات، شکوفایی، رستن از خمودگی و آراستن با شکفتگی را با خود دارد. در فرهنگ مهدویت نیز بهار، ظهور و شروع حکومت همراه با عدل آخرالزمان و پایان سردی و افسردگی تبعیض، گناه، ستم و ظلم است. سلمان هراتی در شعر «بهار با تو درختی است» گفته است:

تواز شکوفه پری از بهار لبریزی تو سرو و سبز تنی با خزان نمی ریزی
(همو: ۱۵۹)

نعمت الله شمس پور:

ای روح آسمانی رویش، ای بهار/ وقتی می آیی / سرسبز و رو سفید / همگام
با/ گل های ناشکفته گیلان / در پیشواز مقدمت آغوش می شویم. (گروه مؤلفان،
۱۳۷۵: ۱۷۰)

امین پور ظهور موعود را پایانی بر دردها و آلام چندین هزار ساله تاریخ بشر قلمداد می کند و می گوید:

وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها
چشم تو لایحه روشن آغاز بهار طرح لبخند تو پایان پریشانی ها
(امین پور، ۱۳۸۸: ۳۵۶)

در شعر «ای که امکان بهاری» از سلمان هراتی، شکوفایی عصر مهدوی همان امکان بهار معرفی شده است که حیات کره خاکی به واسطه اوست و بهار با نفس گرم او در خاک دمیده می شود:

ابر بیداری در غربت ما می بارد/ بال اگر ذوق پریدن دارد/ صبح اگر میل دمیدن دارد/
باغ اگر سبزتر از سبز آمد/ برکت آب زلالی است/ که از چشم تری می بارد... ای که امکان

بهار و آبی / بی اشارات دو چشم تو زمین می پوسد! / تو چنانی که بهار / از دم گرم تو
برمی خیزد! (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

در شعر «بهار جاری» از سید حسن حسینی شاعر با اشاره به هم نام بودن موعود
آخر الزمان با پیامبر ﷺ گفته است همان گونه که با بعثت پیامبر جهان شکوفا شد با ظهور
تو هم می شود:

با نام توای بهار جاری در جان یک باغ گل محمدی باز شود
(حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

در این شعر هراتی غیبت موعود، نبود بهار و شکوفایی توصیف شده است:
در غیبت بهار، درخت از چه بشکفتد باران که نیست، باغچه دلسرد می شود
امکان هر ترانه تویی ای ملایمت ورنه ترانه زمزمه درد می شود
(هراتی، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

گرمارودی، عصر بدون موعود را خارستان و زمان ظهور موعود را موعود شکفتن
گل ها می داند:

بیاتا عمر خارستان سرآید دوباره گل زهرستان برآید
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۶)

شاعر دیگری، شکوفایی جهان را همچون بهار و جویباری ترسیم کرده که با آمدنش کویر
حیات بشرو پاییز جهان خاکی را به حیات دیگری درمی آورد:

از روی مهربانم خسته یار شو پاییز کوچه های دلم را بهار شو
پایان التهاب، شروع نگاه توست من یک کویر تشنگی ام جویبار شو
دردوزخی که معصیت بودن آفرید آرامش بهشتی یک چشمه سار شو
(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۰۷)

قیصر پا را فراتر نهاده منتظر آمدن کسی است که از هر بهاری شکوفاتر و خرم تر است:
کسی که سبزتر است از هزار بار بهار کسی شگفت، کسی آن چنان که می دانی
(امین پور، ۱۳۸۸: ۳۰۵)

اگرچه عمر تو در انتظار می گذرد دل فقیر من! این روزگار می گذرد

بهار فرصت خوبی ست گل فشانی را به میهمانی گل رو بهار می‌گذرد
(هراتی، ۱۳۸۰: ۳۱۳)

«غزل بهار» غزلی نغز از علیرضا قزوه است که در آن شکوفایی بهاری عصر ظهور را ترسیم می‌کند:

آه می‌کشم تو را با تمام انتظار پر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار
در رهت به انتظار صف به صف نشسته‌اند کاروانی از شهید کاروانی از بهار
ای بهار مهربان، در مسیر کاروان گل پیاش و گل باش گل بکار و گل بکار
(قزوه، ۱۳۸۴: ۲۵)

احد ده بزرگی شهادت‌ها، ریخته شدن خون‌ها و انتظارها را صرفاً تسهیل‌کننده فرج و شکوفایی انقلاب و کشور می‌داند لذا از زبان شهیدی چنین سروده است:

بهار نور عالم‌گرد برگرد ابا صالح! شهیدی صالح من
گل سرخ رخم شد زرد برگرد به جان مادرت برگرد برگرد
(ده بزرگی، ۱۳۸۸: ۹۶)

تفاوت معنی دار معتقدان به شکوفایی جهان و منتظران بهار با دیگران که دچار روزمرگی سالیانه و دور باطل زندگی شده‌اند در شعر زیر با عنوان «در انتظار بهار حقیقی» از سلمان هراتی به خوبی هویدا است. زیرا انتظار موعود که انتظار شکوفایی جهان است به زندگی، هدف و به ادامه آن انگیزه لازم را می‌دهد:

بگذار/ گنجشک‌های خرد/ در آفتاب مه آلود/ بعد از ظهر زمستان/ به تعبیر بهار
بنشینند/ و گل‌های گلخانه/ در حرارت ولرم و آبر/ به پیشواز بهاری مصنوعی بشکفند/
سلام بر آنان/ که در پنهان خویش/ بهاری برای شکفتن دارند (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

نتیجه‌گیری

موعودگرایی، مطلوب همه ملت‌هاست و در آیین‌های الهی به آن وعده داده شده است. در مذهب تشیع مصداق آن دقیقاً مشخص است به گونه‌ای که هر شیعه مذهبی می‌داند موعود الهی و منجی عدالت‌گستر آخر الزمان کیست و همگی منتظر ظهورش هستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رواج شعر آیینی، موعودگرایی جلوه‌گسترده‌ای در شعر معاصر یافت. در شعر نمادگرای معاصر، آفتاب، خورشید، سپیده، روشنی، سحر،

بهار، سرسبزی، خرمی و... نماد موعود و ایام ظهور او شد. شاعران با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و تعالیم دینی، مضامین زیبا، بدیع و ماندگاری برای این ذخیره الهی ساخته‌اند. امام مهدی علیه السلام معشوق شاعران شده و او را حتی عشق تمام و تمام عشق معرفی می‌کنند. در ساده‌زیستی او و علی‌واری بودنش سخن گفته از زیبایی صورت و سیرتش که برای منتظران عاشق بسیار دلنشین و جذاب است برای مضمون‌سازی استفاده کرده‌اند. وجه مشترک همه منتظران موعود اعم از شاعر و غیر شاعر در این است که علی‌رغم نزدیک بودن ظهور موعود، کسی نمی‌داند کی می‌آید؟ و راز معمای آمدنش هم چنان سر به مهر مانده است. لذا شاعران با بیان هنرمندانه‌ای گفته‌اند در لابه‌لای صفحات تقویم به دنبال آن روز می‌گردند ولی در هیچ تقویمی این روز بزرگ ثبت نشده است. در این فرهنگ، با ظهور امام عصر علیه السلام جهان پراز عدالت می‌شود. ادبیات مقاومت آیینی دردها و مظلومیت‌های مردمی است که قربانی نظام‌های استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان‌باختگان وطن را در بطن خود دارند. شاخصه اصلی محتوایی ادبیات مقاومت القای امید به آینده و پیروزی موعود الهی است. از بررسی مولفه‌های مهدویت در شعر مقاومت نتایج زیر حاصل می‌شود:

- اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام انتظار ظهور و منتظر دمیدن صبح عدالت بودن در حقیقت منتظر تحقق وعده الهی بودن از ضروریات اعتقادات شیعه و جزو درون مایه‌های اصلی شعر دفاع مقدس است.

- اعتقاد به انتظار برای مهدی علیه السلام در اشعار دفاع مقدس بر مؤلفه انتظار بسیار تأکید شده و رزمندگان حضرت مهدی علیه السلام را به جان مادرشان و به خون شهدا سوگند می‌دهند برای برطرف شدن موانع ظهورش دعا کند.

- عشق به مهدی علیه السلام شاعر مقاومت، چنان عاشق آن حضرت است که بلا، سختی و زخم عشق امام را به جان می‌خرد و آن را لطف معشوق می‌شمارد.

- استغاثه به مهدی علیه السلام در اشعار دفاع مقدس مدد خواستن رزمندگان اسلام از حضرت مهدی علیه السلام بازتاب وسیعی دارد و علاوه بر آنها، فرزندان شهدا نیز به حضرتش استغاثه می‌کنند.

- اعتقاد به وعده دیدار با مهدی علیه السلام دیدار با امام زمان علیه السلام برای ارادتمندان حضرتش

میسراست و حکایات متواتری از دیدار دوستداران امام با ایشان منقول است. به همین جهت رزمندگان اسلام که خود را سربازان امام می‌دانستند هر لحظه منتظر ملاقات با ایشان بودند. این موضوع یکی از عناصر مضمون ساز شعر دفاع مقدس است.

- اعتقاد به صبح عدالت با مهدی عج شب در شعر معاصر مفهوم نمادین ظلم و ستم دارد و طبیعتاً موعودگرایی در شعر مقاومت نیز انتظار صبح و روشنی کشیدن است. به همین جهت ظهور مهدی موعود عج به صورت دمیدن صبح، طلوع روشنی، سحر، پایان شب و... به تصویر کشیده شده است.

- اعتقاد به شکوفایی جهان با مهدی عج با دمیدن بهار مهدویت تمام سختی‌ها و مشکلات از جهان بار بر بسته آرمان شهر یا اتوپایی که یک جهان انتظار در پی آن بود شکوفا می‌گردد. بهار در شعر معاصر مضمون نمادین آغاز مجدد حیات، شکوفایی، رستن از خمودگی و آراستن با شکفتگی را با خود دارد. بهار، ظهور و شروع حکومت همراه با عدل آخرالزمان و پایان سردی و افسردگی تبعیض، گناه، ستم و ظلم است.

منابع

- امین پور، قیصر، مجموعه کامل اشعار، تهران، مروارید، ۱۳۸۸
- باقری، آیت، صهبای عشق، تهران، نسیم حیات، ۱۳۸۴
- بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، این شرح بی‌نهایت، تهران، ۱۳۷۱
- _____، حماسه قلاقران، تهران، ۱۳۷۳
- _____، خط سبز یادگار سرخ، اصفهان، ۱۳۷۵
- _____، سفرنامه آسمان، اصفهان، ۱۳۷۷

- _____، شقایق‌های /روند، آبادان، ۱۳۷۵
- _____، میعاد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۲
- _____، هشت فصل عشق، ارومیه، ۱۳۷۴
- _____، هفتمین فصل غزل، قزوین، ۱۳۷۷
- حسینی، حسن، همصدا/ با حلق/ اسماعیل، تهران، سوره مهر، دوم، ۱۳۸۵
- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، قم، دلیل ما، چاپ بیست و پنجم ۱۳۸۲
- ده‌بزرگی، احد، شروه و شقایق، شیراز، کنگره برگذاشت سرداران شهید فارس، ۱۳۷۸
- شالچی، مجید، با منتظران، تهران، آرون، ۱۳۸۸
- شیخ‌الرئیس کرمانی، محمد، شعرشیمی و شعرای شیعه، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸
- صدوق، محمد، عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول ۱۴۰۴
- صفی‌زاده، فاروق، حماسه قلاقیان، ایلام، سومین کنگره شعر دفاع مقدس، ۱۳۷۲
- طالقانی، محمود، آینده بشریت / از نظر مکتب ما، قم، علمیه، چاپ اول ۱۳۴۴
- طباطبایی، محمدحسین، معنویت تشیع، قم، تشیع، سوم، ۱۳۸۶
- قزوه، علیرضا، روایت چهاردهم، تهران، لوح زرین و صریح ۱۳۸۴
- _____، گزیده ادبیات معاصر، تهران، ۱۳۷۸
- گروه مؤلفان، ادبیات انقلاب اسلامی (سال چهارم دبیرستان)، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۶
- _____، روایت مجنون (مجموعه اشعار برگزیده سیزدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)، تهران، لوح زرین و صریح، ۱۳۸۳
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳
- محمدی‌پور، فرامرز، کنار چشم خدا، گیلان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۶
- مصباح یزدی، محمدتقی، جامی / از زلال کوثر، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دهم، ۱۳۸۸
- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، دوم، ۱۳۶۱
- موسوی گرمارودی، علی، باغ سنگ، تهران، تکا، اول، ۱۳۸۶
- هراتی، سلمان، مجموعه آثار، تهران، دفتر شعر جوان، دوم، ۱۳۸۰